

نامه‌ها

دکتر مصدق میگوید:

ملت ایران گرفتار مضایق مالی و سیاسی شرکت نفت و دولت انگلستان است و خریداران نفت ایران را از دادگاهی بداد گاه دیگر گشائیده و با تمام وسایلی موانع غیر قانونی بر سر راه فروش نفت ایجاد کرده است. در خاتمه توجه موافق آن حضرت را بوضع خطر ناک ایران جلب نموده.....

آیزنهاور پاسخ میدهد:

عقیده دول متحد آمریکا این بوده که چنانچه قرضاری در باره غرامت داده شود در سر اسر دنیا حس اعتماد و اطمینان باین معنی تقویت خواهد شد که..... آنها بیکه تصور میکردند انگلستان است و منافع ایران را بر مصالح انگلستان ترجیح میدهد این دو نامه را مطالعه فرمائید.

سیاستمداران آمریکای حمایت

از موانع شرکت خاص نفت اشتباه میکنند
ملت ایران هرگز بذران حقوق ملت ایران

غرامت بی اساس «عدم النفع» پرداخت نخواهد کرد.

سه روز قبل متن نامه هائیکه اخیرا آقای آتلی مصدق وزیر ناویرامبداله شده است بوسیله دولت انتشار یافته و با آنکه متن نامه آقای رئیس جمهور آمریکا برخی از افراد بی اطلاع ایجاد شکنجی نمود در ما کترین تعجبی بوجود نیامد زیرا بطوریکه صنعت نامه اراک گواهی میدهد روزیکه حزب جمهوریخواه در آمریکا زمام امور را بدست گرفت و آیزنهاور در برابر کرسی ریاست جمهور نشاند ما کترین در صورتی که حزب دموکرات آمریکا ریاست جمهور ترومن نتوانست بانویات و خواسته های ملت ایران موافقت کند بید بنظر میرسد که حزب جمهوریخواه که بدست سرمایه داران آمریکایی بوجود آمده و همیشه حافظ منافع تروست ها و کارتلهای بزرگ بوده است نتواند از حقوق ملت ایران در برابر تجاوزات غاصبانیه سیاستمداران انگلستان دفاع نماید.

درست هشت ماه قبل یعنی بلافاصله پس از انجام انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود که مادر شماره ۱۳۶۵ مورخ ۲۱ آبان ۱۳۳۱ تحت عنوان «انتخاب آیزنهاور ریاست جمهوری آمریکا چه تأثیری در سیاست خارجی آمریکا نسبت بایران خواهد داشت؟ نوشتیم: وضع اقتصادی آمریکا امروز حکم میکند که «ایزنهاور» ها و «ماک

بقلم مفسر سیاسی نامه اراک

تفسیر اوضاع سیاسی جهان

انتظار بپهودی در اوضاع بین المللی وجود داشت در هفته گذشته پس از ظهور یک بحران عظیم مدخل به نویدی شد.

بطوریکه میدانیم شهر بزرگ برلن پایتخت آلمان و مرکز کشور پروس بعد از جنگ دوم جهانی بدو منطقه شرقی و غربی تقسیم شد، منطقه شرقی تحت اشغال سبهایان شوروی درآمد و قسمت غربی را نیروهای آمریکا و انگلیس و فرانسه متصرف شدند.

شهر برلن از تاریخ اشغال بوسیله سبهایان متفقین تا زمان حال حوادث شگرفی بخود دیده که همه آنها کفاره گناهان و معاصی کبیره سیاستمداران آلمان است. در دو جنگ عظیم و مخوفی که در فاصله نیم قرن بوجود آمد شهر برلن کانون آتش فشانی بود که از آنجا مواد مذابه و ناورسیر بسوی اروپا و سایر اقطار کیتی روان مینمود. صدای مارش سربازان پروس و نیروی نظامی آلمان در روزی سنک - فرهای برلن دنیا را بلرزه درمیآورد، آلمان نیرومند، آلمان مغرور یکبارتحت زمامت ویلم دوم ادوینا را مبدل به تل خاکستر کرد و برای بار دوم برای

بقلم آقای اعتصامزاده

دنیا در هفته گذشته

بدون تردید مهمترین واقعه هفته گذشته عبارت بود از برکناری (بریا) در اتحاد جماهیر شوروی. این خبر با ابعاد امروز بوسیله خبرگزاری رسمی شوروی (ناس) بجهانبان اعلام شد (بریا) که سالهای متضادی وزیر کشور و رئیس کار آگاهی شوروی بود اکنون بانهاام خیانت مورد تعقیب قرار گرفته و یک دادگاه عالی شوروی باید به این قضیه رسیدگی کند. حوادث غیرمتناهی و ناگهانی که پس از گذشت استالین در اتحاد جماهیر شوروی رخ داد حاکی از یکنوع عدم اطمینان است که در آن سر - زمین حکمفرما است در حقیقت از همان روز مرگ قائد بزرگ شوروی مفسرین سیاسی حدس میزدند که میان سه نفر

استیضاح دولت

و یا صحیحه معاری مخالفین و منافقین و مطردین

بطوریکه هم میبایست از جرمته میداند. حوادثی که در این هفته پیش از سایر مسائل افکار عمومی را بچنان خود معطوف کرده بود یکی موضوع انتخابات هیئت رئیسه و دیگری مسئله استیضاح بود. در انتخابات هیئت رئیسه مجلس پس از آنکه آقای دکتر معظمی کاندیدای فراکسیون نهضت ملی ریاست انتخاب شدند و همچنین نواب رئیس و سایر اعضاء هیئت رتیبه انتخاب گردیدند اقدام بانتخاب کارپردازها و اعضاء شعب و دستور کار آینده مجلس شد. و اما موضوع استیضاح که این روزها مورد توجه محافل مختلف قرار گرفته یکی از مسائلی است که بحث در اطراف آن لازم بنظر میرسد.

در خلال این احوال مامورین انتظامی باناش و کوشش بسیار توانستند بوظیفه خود عمل کنند و تسکانهائی را که در این توطئه شرم آور دست داشتند یکی پس از دیگری دستگیر سازند و حتی با راهنمایی های همین مرتکبین قتل و سرکناه آنها محل جنایت بروند و جنازه رئیس شهربانی سابق را از زیر خاک بیرون بیاورند. بنابراین تا اینجا جای هیچگونه شک و تردید نیست که اولیا و اسب شهربانی را عده ای بقتل رساندند و تا اینجا همان عده ای که او را کشتند طرز ربودن او و محل جنایت و محلیکه او را بکشد سپردند

بقیه در صفحه ۳

دکتر مصدق با ملت است

و ملت با دکتر مصدق و این دو از هم جدا نشدنی است

است زیرا می بینیم هر ضرری عقل را کم میکند. طرز فکر ما در مسائل یومیه اعم از زندگی فردی یا اجتماعی خوب نیست، یعنی مقایسه نداریم و در جستجوی علل حوادث و اشیاء بر نمیآئیم مانند برکاهی تسلیم حوادث می شویم، خود را زبون و ضعیف و فاسد و بدبخت و بینوا و غلام و برده میدانیم، و بغافل از ترقی نشستی بکل حشیش برای نجات خود بهر علف نازکی دست مریزم، و دنبال هر صدا و هر آواز بقیه در ص ۲

بذر ریاورند بالاخره با آب و باران یا رطوبت زمین با آب دستی آبیاری شود آفتاب بر او تابید تا علف سبزی شود. هم مانند همه چیز تابع سواقی امر و حالات و خصایص روحی یک ملتی قانون تغلف ناپذیر علت و معلول است: راه یافتن بملت معلول بسیاری از مشکلات راجل میکند و آدمی را بجاده هدایت راهنمایی مینماید. اقوام و ملتتهائی هستند که در زندگانی فردی یا اجتماعی قائل به تصادف نیستند یعنی میدانند وجود هر مولوی علتی دارد آنها وقتی دیدند که از بالای دیوار آجری افتاد و بر مغز رهنمائی اصابت کرد او مرد دیوار را کناهاکار نیدانند. دیوار را غول نمی شنارند، میدانند بعلتی معلوم آجرها جدا شد و تامل را از دست داده و بر اثر قوه جاذبه زمین سقوط کرده است - این است دیوار او مرمت میکنند و از هر زبانی بنفع خود در طریق اصلاحات استفاده مینمایند مثل خودمانی است که میگویند هر ضرری عقل را زیاد میکند - ولی متأسفانه گویا در اخلاقیات ما عمل مخالف این مثل

سیاست خارجی ایران

سیاست آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی

در چند سال اخیر سیاست خارجی ایران، از مسائل قابل توجه، نه فقط برای خود ایران بلکه از لحاظ خاورمیانه هم، بوده است اوضاع ایران مورد نظر و توجه سه دولت است: آمریکا - روسیه - انگلستان

غربی (امریکا - انگلیس - فرانسه) مشغول مذاکره شده اند و میخوانند راجع بمسائل مربوط بامور بین المللی تصمیم بگیرند. آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلیس سخت مریض است و نمیتواند در این جلسات شرکت کند و بجای او لرد سالسبوری کفیل وزارت امور خارجه بواشنگتن رفته است. از جانب فرانسه ژرژ بیدو وزیر امور خارجه در واشنگتن حضور یافته و این دو نفر با شرکت فوستر دالس وزیر امور خارجه آمریکا مشغول بحث و شور در باره امور سیاسی مربوط به دولت میباشند. کفرانس واشنگتن که تازه شروع بقیه در صفحه ۳

بقیه در صفحه ۲

دکتر مصدق با ملت است

بقیه از صفحه ۱
میرویم و نمیخواهیم صدای دوست و دشمن را از هم امتیازدهیم، کارل گوستفدر نظر مایکی است، اسامی قابل شخصیت ذاتی اشیا و قانون علت و معلول نیستم اگر کسی آمد و گفت آتش نیسوزاند حرف او را باور میکنم و صدها دلیل هم می آوریم که بلی، سفیدار روئین من با اسب سفید از میان آتش گذشت. مرتاضین هند ساعات متوالی در میان آتش ماندستون ایستاده و سالم بیرون می آیند و باین دلایل بی اساس خود را قائل میسازیم.

جنبه علم با ما بسیار ضعیف است، حس وفاداری و صداقت کم است به - اصطلاح گوستفد امین رضا (ع) را تا - چاشنی بی چرانیم، این حس روش ما به بخشید خیلی ساده لوح و زود باور هستیم، با اندک پیش آمدی سوء ظن پیدا میکنیم و از دوستان و یاران خود جدا می- شویم و در رسیدن تحقیق و فهم حقایق نیبایشیم هزاردان افکار مایلیوایی در دماغ خودمان برای استدلال و تقویت سوء ظن وارد می کنیم و با دوستان صادق خود دشمن میشویم.

موضوع را روی وضع فعلی سیاسی کشور خودمان بیابوریم تا بقصد اساسی برسیم: نهضت ملی ایران و قطع بد استعمار و برهم زدن آشیان جاسوسی و مکتب خائن پرور کلبانی سابق نفت جنوب مولود عوامل و علل سیاسی و اقتصادی بود، این بر تضاد و خناق الساعه و نیش تاقضا و خواهش افراد مدعود و مقیم نبود.

مردم ایران عملیات نامرئی و آشکار روایه استمرار را میدیدند و میدانستند که همه مقاصد بادست خائن داخلی و مزدوران اجنبی که اغلب در مشاغل حساس قرار گرفته اند انجام میشود - میدانستند که اگر با همین جریان فترک و اقتصاد حکومت و همه چیز ما در دست عداوت بیگانه باشد و دولت های پوئالی و مغروانی و طبل های نو خالی حاکم بر مقدرات باشند هیچگاه این ملکت و این ملت روی آسایش نخواهد دید، فقر و فلاکت و جهالت و شقاوت، انواع اختلافات دینی و سیاسی ریشه وجود مارا می کنند، میدانستند که استعمار راجع و مشقت ندارد.

با انتشار امراض مسری و تشویق عادت افیون و انگذاری مقامات بزرگی کسانی که جز با الکل و تریاک آشنایی نداشتند همه افراد این مردم را تریاک و الکلی خواهد کرد، چنانچه کرد - و چنین تصویر قلیل که از بقیه السیف حمله انجیز و تیمور و محمود افغان با ملاریا و واکتوب دولت آنها بارماض بالاداریا و سل مبتلا هستند از میان خواهند رفت و در این سرزمین دیگر از نژاد ایرانی اثری باقی نخواهد ماند، اما روی این احساسات را حکومت های فاسد، هزرا فامیل و دست نشانده کن بیگانه و کسانیکه مانند برقی از دست تریان مقامات بزرگترین مراتب نشسته و با اصطلاح ابدال فمال و کفش کن اطلاق به صدر مجلس آمده و بر بالش تکیه داده اند سرپوش میگذارند، این ملکت و این ملت را یک روز گرفتار قسط و غلام میگردانند، غلات و فراورده را از دست روستائیان بیرون میآورند تا مردم گرسنه باشند و خانواده های شریف را با بامداد تا شامگاه در دکانهای خیازی برای گرفتن یک نان عرق بریزند و فرصت بیعت و مطالعه در امور سیاسی را پیدا نکنند.

روز دیگر مسئله کبکود گوش بیان میآید. وهز از ان گرفتاری بادست حکومت های استبدادی و مکتلات قانونی در حکومت دموکراسی بسوجود آوردند تا آنکه مردم از بیعت تا شام گرفتار معاش باشند در پیچ و خم مقررات گرفتار بمانند منز آنها از مشکلات فرسوده شود نه تضاد و کارمندان دولت میتوانند از مقررات ناچورد بفرغ مردم کار کنند و اگر کردند طبق یک مقررات متضاد تعقیب شوند و نه مردم در امور دادوستد و معامله و اجاره و مستملات راحت باشند همه افراد را در تاز و پود قوانین ناچور و مخالف در قید و بند نودند. آری این مسائل و صدها موضوع دیگر بسبب شده که در موقع فرصت قیام کند.

خدا خا و است و دکتر مصدق
روز دیگر مسئله کبکود گوش بیان میآید. وهز از ان گرفتاری بادست حکومت های استبدادی و مکتلات قانونی در حکومت دموکراسی بسوجود آوردند تا آنکه مردم از بیعت تا شام گرفتار معاش باشند در پیچ و خم مقررات گرفتار بمانند منز آنها از مشکلات فرسوده شود نه تضاد و کارمندان دولت میتوانند از مقررات ناچورد بفرغ مردم کار کنند و اگر کردند طبق یک مقررات متضاد تعقیب شوند و نه مردم در امور دادوستد و معامله و اجاره و مستملات راحت باشند همه افراد را در تاز و پود قوانین ناچور و مخالف در قید و بند نودند. آری این مسائل و صدها موضوع دیگر بسبب شده که در موقع فرصت قیام کند.

خدا خا و است و دکتر مصدق
روز دیگر مسئله کبکود گوش بیان میآید. وهز از ان گرفتاری بادست حکومت های استبدادی و مکتلات قانونی در حکومت دموکراسی بسوجود آوردند تا آنکه مردم از بیعت تا شام گرفتار معاش باشند در پیچ و خم مقررات گرفتار بمانند منز آنها از مشکلات فرسوده شود نه تضاد و کارمندان دولت میتوانند از مقررات ناچورد بفرغ مردم کار کنند و اگر کردند طبق یک مقررات متضاد تعقیب شوند و نه مردم در امور دادوستد و معامله و اجاره و مستملات راحت باشند همه افراد را در تاز و پود قوانین ناچور و مخالف در قید و بند نودند. آری این مسائل و صدها موضوع دیگر بسبب شده که در موقع فرصت قیام کند.

نمیخواهیم نفت ما برب جریان یابد که برای بیباران کردن شوروی روسیه شوروی بصرف رود.

بقیه از صفحه ۱
اکنون مهمترین مسئله است و نباید از آن غافل بود. وهما بطور که دول بزرگ برای خود سیاستی دارند دولت ما دولتی مثل ما هم ناچار از این مقابله با سیاست های خارجی و استفاده از آن باید سیاست داشته باشند و اگر سیاست خارجی ماروینست و علاقه و آرزوی واقع بینی نباشد مسلما در این میدان خواهیم باخت یعنی هم فائده نیبریم وهم اینکه سیاست خارجی از بی تشکی و بی ارادگی ما حد اکثر استفاده را خواهد نمود.

عده شنیده اند که لازم است ایران بیطرف باشد اما بیطرف بودن و بیطرف ماندن محتاج با داشتن سیاست خارجی روشن و محکم و علاقه ای ایست.

ترکیه بیطرف نیست و وضوح معلوم است و تکلیفش روشن، در آنجا سیاستمدارانی هستند که نقشه دارند و آن نقشه از نظر خود ترک ها مفید و لازم تشخیص شده است و از نقشه خود حد اکثر فایده را برده اند و میریزند.

هند بیطرف است ولی در بیطرفی نقشه و سیاستی دارد و معلوم است در آنجا هم سیاستمدارانی هستند در دولت و پارلمان که مراعات اوضاع سیاسی مخصوصا سیاست خارجی میباشند و خود نهرو هم در سیاست وارد و ورزیده است و رهبری دولت و ملت خود را خردمندانه می کند.

دولت ایران هم بیطرف است اما در مجلس ایران و کیلی که از طرفداران جدید دولت است در نطق خود میگوید ما

وجود داشت و برای امروز ذخیره شده بود و او مظهر افکار ملی قرار گرفت - جمعی با او بار شدند و در رهبری و نظم این نهضت ملی شرکت کردند و با یک جنبش عظیم دشمن را از وطن راندند و دنیا را در حیرت و شگفتی قرار دادند دشمن آخرین حربه خود را در سال گذشته در همین موقع بکار برد تا روز سی ام تیر ماهه مواجه باشکست قطعی شد حالا چه شده که موافق هم در زمره مخالفان قرار گرفته و یاران دکتر مصدق انگشت شمار بنظر میآید.

با باید گفت که روی پرورش تاریخی زعیای ملی که امروز راه ارتداد را پیش گرفته اند مواجه بسا سوء ظن و افکار مایلیوایی و خود رسنندی شده آتش فداق را دامن میزنند با حقیقتا آتقدردان هستند که نمیخواهند با قانون علت و معلول اوضاع را مطالعه کنند یا بخدا ناکرده از آغاز یار دشمن و شریک دزد و رفیق قاتله بوده اند.

هر کدما از این مفروضات باشد دلیل ضعف روحی و بی خردی است. این آقایان یک اشتباه میکنند و تصور مینمایند که خالق نهضت ملی آنها هستند و اساسا خود را بی طرف و ملت را در طرف دیگر در یک کفه ترازوی جای میدهند در صورتیکه بعد از جدا شدن از یک طرف مصدق دیدند که ارزشی ندارند و جز منفی بافی و کمک به اختلال امور قدرت و قسمتی برای آنها کسی قاتل نیست.

صحیح است که فرهنگ استعمار زائد بر یک قرن تقمل و فکر را ضعیف کرده است اما بعلت بزرگ تاریخی که مواریث اخلاقی و علمی شش هزار ساله دارد باید قرن بیست و یکمی و خجانت از میان نبرود و این مجسمه های لابی آزادی با دعای کذب خود نمیتوانند ملت را خاموش یا بسوی هدف نامرئی خود سوق دهند.

نامه اراک

نمیخواهیم نفت ما برب جریان یابد که برای بیباران کردن شوروی روسیه شوروی بصرف رود.
گویی ما نفت را می فروشیم که برای بیباران کردن شوروی بکار رود در صورتی که ما فروشنده نفت هستیم و از یکجا می دانیم این نفت برای دستگاه صنعتی اروپای غربی و آسیای جنوبی یا کارخانه های داروسازی بکار نمیرود و برای بیباران کردن شوروی بکار می رود. اما لاستیک و وقت بچین می فروختند و بقصد تجارت و در آمد می فروختند و می گفتند اگر چین که موئیست اجناس خریداری از ما را برای مقاصد نظامی استعمال می کند بجاچه بروط است.

ما بیطرف هستیم و اگر یک روسی یا انگلیسی یا فرانسوی یا ایتالیایی در هر یک از کوه های تهران ورشت و شیراز برود یا هر جا برود کسی مزاحم آنها نیست اما اگر یک آمریکائی در خیابانی عبور کند از بعضی دستجات علنا و دسته جمعی بر او هجوم میکنند و او را میزنند و تصغیر میکنند و مدتی است این گونه وقایع روی میدهد.

اما در هندوستان نه روسی را میزنند نه امریکائی را و نه دیگری را و در پارلمان هندوستان هم نه با امریکا بد میگویند و نه بروسیه.

اگر در هندوستان بیطرف وضع چنان است و در ایران وضع چنین برای این است که در هندوستان سیاستمدارانی هستند که قوم راودول را رهبری و هدایت میکنند و در سیاست خارجی طریقه معلوم روشنی اتخاذ کرده اند.

در ایران سیاست خارجی در سه مرکز باید تعیین و عمل شود: اول - در مجلس: متاسفانه چون در مجلس جز بی نیست که اکثریت داشته باشد موضوع سیاست خارجی از نظر حزب منتهی است و بعد از فراغت از حزب سیاست خارجی بدست افراد می افتد اما در مجلس بنظر اشخاصی که لاف با اطلاع از جریانات سیاسی ملک هستند افرادی وجود ندارد که راجع به سیاست خارجی عقیده ورویه مشخصی داشته باشند و اگر هم باشند خیلی کم هستند و در خاموشی و حاشیه نشینی بسر میبرند و دلیل این هم نطق هائی است که بعضی اوقات میشود که معلوم نیست قصد وهدف آن چیست و چه نتیجه واقفانه دارد و اگر آن نطق ها مظهر تمایلات مردم است و مجلس باشد یا روی بیطرفی مناقات دارد و چون آن بیانات شخصی است و از طرف هیچ جمعیت و دسته متشکل سیاسی و یا از طرف و کلام مجلس هم نیست بنابراین مثبت این امر است که مجلس ایران در مورد سیاست خارجی ایران هیچ نظر و هدفی ندارد و مسئله بیطرفی ایران یک تمایل و آرزوی قلبی است و نه یک عقیده و هدف سیاسی بحث شده و قبول شده و بدون تردید و اصلاح میزبان و حدود و پس چنین بیطرفی تفکر و سنجیده شده است.

پس مسئله سیاست خارجی ایران در مجلس نه صحبت شده نه حل شده و نه تصمیمی در آن راه گرفته شده و اگر غیر از این است ما منتظر هستیم آقایان و کلام مجلس تعیین فرمایند در کدام فراسکیون و در کدام جلسه و در کدام روز مسئله سیاست خارجی ایران طرح شود است - آیا در کمیسیون خارجه با دولت مسئله سیاست خارجی بحث شده؛ چه وقت بوده؛ آن تصمیمی که نوشته شده و قبول شده یاد شده کدام است؟

با کمال تأسف باید گفت مجلس وقتی برای اینگونه کارهای مهم باقی نگذاشته اوقات مجلس تماما صرف زد و خورد و فحاشی و جلسات و مسازت و آشتی کنان و حضور یادم حضور و کلا در مجلس تشکیل یادم تشکیل جلسات و اختلاف نظر آیه الله و دولت و این چیزها می شود. بنابراین مجلس در سیاست خارجی ایران هیچ تاثیری ندارد.

دوم دولت: من از مجموع مشاهدات خود استنباط میکنم که دولت هم در سیاست خارجی تاثیر بی ندارد و هنوز مسئله سیاست خارجی را از مسائل با اهمیت درجه اول ندیده اند و بدان توجهی ندارد و مقصود از دولت اشخاصی هستند که از نظر قانون اساسی مسئولیت دارند. من نمیدانم از زمان واقعه سیام تیر یا بنظر یک دکتر مصدق کابینه جدید خود را تشکیل داد آیا هیئت وزراء جلسه باجلاستی تشکیل داده

که موضوع سیاست خارجی ایران مسئله بیطرفی و حدود و میزبان و رویه آن مورد بحث و شور قرار گرفته باشد و طبق آن تصمیم عمل شده باشد؛ وقایعی که روداده می رساند از نظر هیئت وزراء بطور دسته جمعی این مسئله بحث شده و حل شده نیست والا دولت از دو سال قبل میبایستی مراقب اوضاع داخلی باشد.

آقایانی که در سیاست وارد اند میدانند در سال ۱۳۰۳ قونول امریکا در ایران کشته شد ایرانی بدنام گردید و نق آنرا انگلیسها بردند زیرا مقصود از آن بود که بین امریکا و ایران رابطه تبادله وجهت آن ربطیستله نفت داشت زیرا کلبانی استاندار دادیل امتیاز نفت شمال ایران را گرفته بود و می معلوم شد که با شرکت سابق نفت شریک است لذا دولت ایران قرارداد خود را که شرط آن عدم شرکت دیگری بود را لغو نمود و بعد از او کمیونالیستیک داوطلب شد و نفت ایران با او واگذار شد. ولی شرکت نفت بازی قونول کشتن در آورد تا امریکائی ها از ایران صرف نظر کنند و پای رفیق شرکت سابق نفت از ایران قطع شود.

اکنون برگردیم به بیطرفی دولت ایران و نداشتن سیاست و نقشه که آنرا حفظ کند یا چه چیز ما هستند که بروسیه شوروی فحش های رکیک خارج از ناکت میدهند و یک دسته دیگر با امریکا و امریکائی ولی در خود روسیه شوروی و امریکاز این خبرها نیست. در ایران بدرو یوار ها در همه جا نوشته شده «پانکی گوهم» ولی پلیس و بلده خود شهر مسکو یا بطر و کردار اجازه ننیده بدر و دیوار آن دو شهر از این چیزها بنویسند باینکه در تهران با امریکائی که تنها راه برود ختی در توی اتوموبیل بعضی چمپتها و دستجات هجوم دسته جمعی میکنند اما امریکائی حق عبور دارد مسکن نیست بکفر روسی یا فرد دیگری کوچک ترین اهانتی از ترس دولت شوروی بساو بکند. با آنکه در خیابان های واشنگتن و نیویورک و شیکاگو و غیره ممکن نیست در جلاوی سفارت یا قونولگری روس یک نفر امریکائی جاسارت تحقیر و اهانت بدولت شوروی داشته باشد و با جرم کند بیگفرد روسی باتبه شوروی کوچکترین اهانت را روا داد.

اما اگر در ایران این قبیل اعمالی شود برای اینست که سیاست خارجی ایران معلوم و مشخص نیست و اگر هم باطنی سیاستی نیست راه خط میروند ولی عقیده من این است هیئت دولت آن چیزی را که مایساست خارجی میدانیم و در نظر ماموضوع خاصی است ندارد و علت آنهم شاید این باشد که در زمانیکه دیگر وزیر اداری را معاون و مدیر کلها میکنند و وقت وزراء بیشتر صرف مسور کلی مملکتی و تهیه نقشه ها و در نظر گرفتن احتیاجات کلی کشور و مسائل سیاسی و از اینگونه امور میشود و این مسائل و اهمیت وزراء دسته جمعی مورد شور و تقسیم قرار میدهند ولی در ایران وزراء وقت خود را صرف امور اداری میکنند و غرق در پرورنده و کاغذ و کمیسیون و ملاقات و تلفن وغیره اند ولذا از آن مقصود کی هیئت دولت برای آن در همه ممالک تشکیل میشود یا میمانند.

یک علت دیگر هم آنست که اکثر وزراء ما از میان اشخاصی انتخاب شده اند که کارهای عادی ساکت اداری یافت داشته اند و یا اینکه اکثر آنها را که من می شناسم مردانی درست و با تجربه اند اما متأسفانه مردان سیاسی نبوده اند و نیستند و بنحیبه ثابت شده سیاست فاست و هر شخصی ولو معروف و درستکار و عالم باشد سیاستمدار نمیتواند باشد.

امروزه دستگاه بزرگ که با ما هر ترین رجال سیاسی میگذارد یعنی وزارت خارجه روسیه، امریکا، انگلیس در مورد ممالک مامشغول علیراند و بنظر من برای مقابله با این سیاست ها و آن رجال سیاسی این عده که با آنان کتر مصدق کار میکنند کافی نیستند. و حتی بعضی از مسائل مهم داخلی است که مورد توجه این دولت تا

اکنون واقع نشده و من چون نمیخواهم در این موضوع ورود بسازم بدم از ذکر آن صرف نظر میکنم و عدم توجه به این مسائل داخلی خود بهترین دلیل است و زور عدولت داخلی خود بهترین دلیل است و با تجربه اند اما متأسفانه مردان سیاسی نبوده اند و نیستند و بنحیبه ثابت شده سیاست فاست و هر شخصی ولو معروف و درستکار و عالم باشد سیاستمدار نمیتواند باشد.

امروزه دستگاه بزرگ که با ما هر ترین رجال سیاسی میگذارد یعنی وزارت خارجه روسیه، امریکا، انگلیس در مورد ممالک مامشغول علیراند و بنظر من برای مقابله با این سیاست ها و آن رجال سیاسی این عده که با آنان کتر مصدق کار میکنند کافی نیستند. و حتی بعضی از مسائل مهم داخلی است که مورد توجه این دولت تا

امروزه دستگاه بزرگ که با ما هر ترین رجال سیاسی میگذارد یعنی وزارت خارجه روسیه، امریکا، انگلیس در مورد ممالک مامشغول علیراند و بنظر من برای مقابله با این سیاست ها و آن رجال سیاسی این عده که با آنان کتر مصدق کار میکنند کافی نیستند. و حتی بعضی از مسائل مهم داخلی است که مورد توجه این دولت تا

کون واقع نشده و من چون نمیخواهم در این موضوع ورود بسازم بدم از ذکر آن صرف نظر میکنم و عدم توجه به این مسائل داخلی خود بهترین دلیل است و زور عدولت داخلی خود بهترین دلیل است و با تجربه اند اما متأسفانه مردان سیاسی نبوده اند و نیستند و بنحیبه ثابت شده سیاست فاست و هر شخصی ولو معروف و درستکار و عالم باشد سیاستمدار نمیتواند باشد.

سوم: دکتر مصدق، سیاستمدار است و امروز است که باید و میتواند سیاست خارجی ایران را تعیین کند ولی او هم بنظر من باز محتاج به مشورت است زیرا بعد از چند دهه ممالک مختلف دنیا وقایعی رو داده و جریاناتی وجود دارد که دیپلمات های قدیم از جزئیات آن شاید با اطلاع نباشند چون برای تعیین سیاست خارجی یک کشور با ابد احاطه کامل بحقیقت اوضاع بیشتر ممالک داشت آقای دکتر مصدق باید در خارج از دسته که با ایشان همکاری دارد دنیا مشاوران هستند از عده اشخاص بسا اطلاع از سیاست که از دوستان نزدیک خود ایشان هم میباشند انتظام و علاء و سر لشکر فیروز منصور و دکتر متین قنوی مشورت کنند و آقای الهیار صالح و سفیر ایران در مسکو را وقتا بتهران احضار نمایند و با اطلاع آنها را بشنوند همانطور که امریکا هندرسن و مسکوسا چکفرا میخواست و پس از تبادل آراء و افکار رویه ایران را در سیاست خارجی معلوم و روشن سازند و بعد در مجلس طرفداران دولت از آن رویه بیرونی و حمایت نمایند.

و اعضاء دولت نیز هر کدام در مقام خود تبعیت از نظر رئیس دولت کنند و بیطرف بمعنای امروز نباشند که معنای آن این شده که هر که هر چه میخواست بکند و دولت هم تماشای باشد و متوجه باین مسئله باشد که ایران اگر نتواند اوضاع فعلی دنیا استفاده کند انگلیس با آماده و مراقبند که بر ضرر ایران استفاده کنند و این نظر من است سیاست خارجی ایران در تمام مسائل مهم قرارداد دارد و اگر دولت ایران سیاست علاقه اتخاذ کند خوب میتواند از این موقعیت استفاده کند و اگر ما استفاده نکنیم مسلما از اشتباهات ما انگلیسها استفاده خواهند کرد بعقیده بسیاری از اشخاص در اینگونه مسائل که برای یک کشوری حیوتی است ادعای اشتباهی در آتیه پذیرفته نشود.

بود مسئله عجیبی است که خود روسها در زمان جنگ از امریکائی ها معادل بازده هزار میلیون دلار بعنوان وام و اجاره گرفتند و آنوقت در مجلس ما اشخاصی یافت میشوند که میگویند ما چرا پولی که امریکا بابت اصل چهار میدهد بگیریم و میخواستیم چه کنیم؟

بنظر من در این موقع که مجلس سیاستی معلوم و مشخص ندارد و در هیئت دولت هم رجال سیاسی نداریم مسئولیت و بار بردوش آقای کتر مصدق است و ایشان باید مطمئن باشند که در سیاست خارجی اشتباه نمیکنند و اشتباه ایشان بسیار گران تمام خواهد شد و اگر اشتباه نکنند و رهبری صحیح کنند ایران را از وضع فعلی نجات خواهند داد.

آتیچه اکنون می توان فهمید آن است که روسیه شوروی قصد تجاوز و جنگ ندارد و ملت امریکا هم برای جنگ تهاجمی حاضر نیست ولی برای جنگ تدافعی حاضر است بنابراین در این فاصله که ممکن است سال ها طول بکشد کشور های مثل ما باید سیاستی اتخاذ کنند که حداکثر استفاده را برای اصلاح امور داخلی خود بکنند و این فرصت را نباید از دست داد.

اگر دولت می تواند فهمید آن است که روسیه شوروی قصد تجاوز و جنگ ندارد و ملت امریکا هم برای جنگ تهاجمی حاضر نیست ولی برای جنگ تدافعی حاضر است بنابراین در این فاصله که ممکن است سال ها طول بکشد کشور های مثل ما باید سیاستی اتخاذ کنند که حداکثر استفاده را برای اصلاح امور داخلی خود بکنند و این فرصت را نباید از دست داد.

اگر دولت می تواند فهمید آن است که روسیه شوروی قصد تجاوز و جنگ ندارد و ملت امریکا هم برای جنگ تهاجمی حاضر نیست ولی برای جنگ تدافعی حاضر است بنابراین در این فاصله که ممکن است سال ها طول بکشد کشور های مثل ما باید سیاستی اتخاذ کنند که حداکثر استفاده را برای اصلاح امور داخلی خود بکنند و این فرصت را نباید از دست داد.

اگر دولت می تواند فهمید آن است که روسیه شوروی قصد تجاوز و جنگ ندارد و ملت امریکا هم برای جنگ تهاجمی حاضر نیست ولی برای جنگ تدافعی حاضر است بنابراین در این فاصله که ممکن است سال ها طول بکشد کشور های مثل ما باید سیاستی اتخاذ کنند که حداکثر استفاده را برای اصلاح امور داخلی خود بکنند و این فرصت را نباید از دست داد.

اگر دولت می تواند فهمید آن است که روسیه شوروی قصد تجاوز و جنگ ندارد و ملت امریکا هم برای جنگ تهاجمی حاضر نیست ولی برای جنگ تدافعی حاضر است بنابراین در این فاصله که ممکن است سال ها طول بکشد کشور های مثل ما باید سیاستی اتخاذ کنند که حداکثر استفاده را برای اصلاح امور داخلی خود بکنند و این فرصت را نباید از دست داد.

چاپخانه مینوسوی
تلفن ۱۹۲۷
ناصر خسرو که چه خدا بنده اوها
اراک میدان پهلوی

بقیه مهر مقاله

از سرمایه داران و سیاستمداران انگلیسی بود پیروی خواهد کرد بلکه راه اوچت نفوذ انگلستان در خاور میانه هوارتر خواهد ساخت « بطوریکه خوانندگان درجست درنامه این نیاور که در همین شماره (درجست) مشاهده میکنند متواترند بقوی این نکتہ را ذکر کنند که آمریکا از یکطرف بملت امتیازات اقتصادی وسیعی که در آسیا و خاور میانه دارد و از طرف دیگر بواسطه پیوستگی با سیاست استعماری انگلستان و سرمایه داران انگلیسی بخواهد با ادامه فشار های اقتصادی بملت ایران ما را بجایی رساند که پس از مدت ناهتمل رنج و فشار در برابر پیشبردات سرمایه داران باختری سر تسلیم فرود آید و کشور خود را باریک در اختیار سرمایه دارانی بگذاریم که هیچگاه در حفظ حقوق ما نبود و هدف آنها فقط و فقط بهره برداری از منابع عظیم ایران میباشد

قرب بکنن است که حزب جمهوریخواه در آمریکا بوجود آمده و در تعیین سیاست آمریکا نقش مهمی بعهده داشته است. در سال ۱۸۶۰ مانی نود و دو سال قبل بود که این حزب توانست «لینکلن» یکی از بزرگترین بشر دوستهای دنیا را بریاست جمهور آمریکا برساند و صد ها هزار برده آمریکایی را از قید اسارت ملائین و قنودالهای ایالات جنوبی آمریکا رهایی بخشد. طی یک قرن اخیر تغییرات شگرفی در سیاست این حزب بوجود آمده و امروز بطوریکه ملاحظه میشود تنها برای آزاد ساختن ملل برده دنیا تلاش میکنند بلکه در حمایت از سیاست استعماری کشوری میکوشد که سالها بر میلیونها مردم دنیا بقیضتین نوعی حکومت نمود و مرتب جنایاتی شده است که در تاریخ بشری نظیر ندارد!

آقای رئیس جمهور آمریکا در نامه خود بدکتر مصدق مینویسد: «هرگاه بنا شود صرفا بر مبنای از دست رفتن دارایی مادی یعنی تأسیسات شرکی که ملی شده است مسئله پرداخت غرامت حل گردد این ترتیب راه ملی نخواهد بود که بتوان آنرا عادلانه خواند» در اینصورت طبق نظریه آن نیاور که نایب سرمایه داران آمریکایی بطور مستقیم و مدافع سرمایه داران انگلیسی بطور غیر مستقیم میباشد اگر ملت ایران بهای تأسیسات نفت و تهیه راکت انگلیسی ها برای استخراج و تصفیه نفت بایران آورده اند بپردازد غرامت عادلانه ای نبوده و حق سرمایه داران انگلیسی تضییع شده است!

طبق این عقیده ملت ایران باید نه تنها قیمت تمام مؤسسات نفتی انگلیسها را در مناطق نفت خیز ایران بپردازد بلکه باید اصل «عدم النفع» را هم مورد توجه قرار داده و بابت سود و شراری که انگلیسها می توانستند تا پایان مدت قرارداد تحمیلی سال ۱۹۳۳ یعنی برای چهار سال دیگر در ایران بدست آورده مبلغ هنگفتی - پرداخت کنند.

بیمارت دیگر سرمایه داران انگلیسی و آمریکایی می خواهند ملت ایران را با - پرداخت غرامت هفتت از یکطرف و فروش نفت بکارتلها و تروست های آمریکائی و انگلیسی از طرف دیگر بروض صنایع نفت خود را در خاور میانه بصورتی در آورند که سایر کشورهای خاور میانه که هم اکنون امتیاز استخراج نفت خود را به بیگانگان سپرده اند تفاوتی نداشته باشد!

آیا اینست آنچه که ملت ایران هنگام ملی ساختن صنایع نفت خود در نظر داشته و طی دو سال اخیر برای رسیدن بان از هیچ گونه فداکاری و از خود گذشتگی خودداری نکرده است؟

آیا اینست هفتی ملی نمودن که ملت ایران باید در پیش گیرند؟ اگر سیاستمداران آمریکا و انگلستان تصور میکنند که میتوانند با استعمال الفاظ زیبا و ظاهر فریبی مانند « ایجاد جامعه با شکوهی از ملل آزاد دنیا » و غیره مارا بادیگری بفریبند و قراردادی نظیر قرارداد شوم و ننگین ۱۹۳۳ بملت ایران تحمیل کنند سخت در اشتباهند زیرا در پیگیر

دکتر مصدق هیگود

بقیه از صفحه ۱
را ذیلا درج و قضاوت آنرا بسپرده خوانندگان عزیز واکذار میکنم

حضرت رئیس جمهور عزیز
در جواب نامه ملاطفت آمیز مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۳ به پیام اینجناب که پیشنهاد فرموده اند نظریاتی را که مورد علاقه مشترک ما بوده است مستقیما ویا از مجرای دیپلماتیک باستحضار خاطر عالی برسانم در آن پیام مختصری از برشانیها و مضامینی که ملت ایران در راه تحقق بخشیدن بآمال خود در دوسال اخیر تحمل نموده و همچنین مشکلاتی را که دولت انگلستان برای پشتیبانی ازادعا های غیر منطقی یک شرکت مستمراتی برای ایران ایجاد کرده است عرض برسانم .
در این چند ماهی هم که از تاریخ

مجال است ملت ایران زیر بار آن زورگوئیها برود و با قریبته الفاظ بیعنی و پوچی گردد که فقط و فقط برای غریب دادن ملل ضعیف ساخته و پرزداخته شده است سیاستمداران سرمایه دار انگلیسی و آمریکایی باید بدانند که ملت ایران هرگز اصل « عدم النفع » را بزمینای پرداخت غرامت قرار نخواهد داد زیرا اصل نه تنها در دنیا «هنگام ملی ساختن صنایع سابقه ندارد بلکه در مورد مکزیک هم چندی قبل نفت خود را بیکتاد این کشور بخرید و در اختیار ملی نمود. دادگاههای مکزیکسی حاضر نشدند غرامتی جهت محروم شدن صاحبان صنایع نفت از منابع آینه برداخت کنند قیمت مؤسسات نفت انگلیسی در ایران بطوریکه تخمین شده است از یکصد میلیون لیره تجاوز نمیکند و این حد اکثر قیمتی است که ملت ایران میتواند بیک شرکت غاصبی که مدت نیم قرن ملت ایران را در سختترین شرایط زندگی نگاهداشته و ما را از کلیه حقوق بشری و انسانی محروم نموده است بپردازد .

اگر قرارداد ملت ایران بر سرمایه داران انگلیسی بابت محرومیت ازمنافع نا مشروعی که ممکن بود طی چهل سال آینده در ایران بدست آورند مبتنی بپردازد هیچ دلیل منطقی و عقلانی وجود نداشت که نفت خود را ملی نماید و طی دوسال متحمل انواع سختیها و محرومیتها گردد! سیاستمداران آمریکائی باید بدانند که ملت ایران ادعای پوچ و واهی سرمایه داران انگلیسی را بسخره میکبرد و حاضر است از فروش نفت خود در بازار های دنیا صرف نظر کند تا آنکه بناصیبین حقوق خود مبلغی که بهیچوجه مبنای قانونی و حقوقی ندارد پرداخت نماید .

شاید اوضاع بین المللی امروزه در بلاد که سرمایه داران آمریکائی و انگلیسی بتوانند موقتا از آن استفاده نمایند لکن اینوضع هرگز دوام نخواهد داشت و با بیداری ملل برده دنیا بطور کلی و ملت ایران بلاخص دیگر در دوران سیادت و آقائی سرمایه داران باختری تکرار نخواهد شد و هرملتی بر مقدرات خود، اقتصاد خود و منابع طبیعی خود تسلط خواهد یافت .

ما از سیاستمداران آمریکا انتظار داریم که بیش از این تحت تاثیر تماشاگر قانونی و خلاف انسانی انگلیسها قرار نگیرند ، دروضع روحی ملل خاور میانه و تحولاتی که مخصوصا پس از جنگ جهانی دوم در آسیا بوجود آمده ، تجدید نظر بعمل آورند و در طریقی قدم بردارند که همکاری و اتحاد و اتفاق بین ملل دنیا میسر و ممکن گردد نه آنکه با توسل بزور و فشار امتیازاتی بدست آورده که موجب سوء اعتماد ملل ضعیف دنیا از کشورهای سلب و نیرومند گردد و تنم کینه و خصومت در میان ملل دنیا بکاشته شود. ما از طرف دیگر از آقای دکتر مصدق انتظار داریم که در برابر خواسته های غیر قانونی سرمایه داران انگلیسی مقاومت نمایند و در راه حل مشکل نفت در طریقی قدم بردارند که موجب حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی ملت ایران و از آن مهتر حفظ حیثیت و اعتبار ملت ایران در این نهضت مقدس ملی گردد.

نامه اراک

این پیام میکند ملت ایران گرفتار مضایق مالی و داساس سیاسی شرکت نفت و دولت انگلستان بود از آن جمله خریداران نفت ایران را از دادگاهی به دادگاه دیگر کشانده و بسا تمام وسائل تبلیغاتی و دیپلماتی موانع غیر قانونی دوسر راه فروش نفت ایجاد کرده و بسا اینکه دادگاههای ایتالیا و ژاپون فروش نفت ایران را بلامانع اعلام نموده انداز اقدامات برخلاف حق و اصول تاکنون دست برنداشته اند .

گرچه امید میرفت که در زمان تصدی آن حضرت توجه بیشتری بوضعیت ایران بشود ولی متاسفانه هنوز در روش دولت امریکائی تغییری حاصل نشده است .
در بیامی که آقای وزیر خارجه امریکا از کراچی برای اینجناب ارسال داشته اند اظهار تاسف کرده اند از اینکه تاکنون امریکار در مجاهدات خود برای کمک بجل مسئله غرامت توفیق حاصل نکرده حاضر باید بخطر داشت که دولت ایران حاضر شد دیوان بین المللی دادگستری قیمتی اموال شرکت سابق در ایران را هر قدر تعیین کند بپردازد و نیز حاضر شد که صلاحیت دیوان مزبور را در باره غرامت باین شرط قبول کند که قبل از دولت انگلیس مدعا به خود را در حدود منطق و انصاف تعیین نماید . بدیهی است که دولت ایران هم از شرکت سابق نفت و دولت انگلیس مطالباتی دارد که در موقع طرح دعوا اظهار میکرد چون دولت انگلیس باین امید است که وضعیت سابق خود را در ایران تجدید کند بیهیچک از این پیشنهادات ترتیب اثر نداد تاکنون در اثر اقدامات شرکت سابق و دولت انگلستان ملت ایران در برابر مشکلات اقتصادی و سیاسی بزرگی قرار گرفته است که ادامه اینوضع نظیر بین المللی نیز ممکن است عواقب خطیری داشته باشد و اگر در این موقع کمک موثر و فوری باین ملکت نشود شاید اقداماتی

همان روح صداقت دوستانه است که در نامه خود جنابعالی منمکس می بینم. تاریخ نشان میدهد که حکومت آمریکا و مردم آمریکا همیشه احساسات عمیق دوستی نسبت بایران و مردم ایران داشته و هنوز هم دارند حکومت امریکا و مردم آمریکا صمیمانه امیدوارند که ایران بتواند استقلال خود را حفظ کند و مردم ایران نیز بصصول آمال ملی خود کامیاب و نیز موفق شوند ملتیشوند و آزاد بگردند و آوند که بشری و پیشرفت صلح دنیا کمک کند .
اولا بملت همان امیدواری بود که حکومت دول متحده آمریکا در طی دو سال از صمیم قلب جد و جهد نمود برای رفع اختلافاتی که بین ایران و کشور متحده انگلستان روی داده و از ملی شدن صنعت نفت ایران ناشی گردیده است مساعدت کند .
عقیده دول متحده امریکا این بوده است که چنانچه قراردی در باره غرامت داده باین معنی تقویت خواهد شد که ایران مصمم است کاملا متسک به اصولی باشد که بسبب آن جامعه با شکوهی ازمل آزاد امکان پذیر گردد . و این امر - مؤید اعتبار بین المللی ایران خواهد بود و بسبب خواهد شد براه ای مضللات و اقتصادی که اکنون متوجه ایران است حل شود .

چون ایران و کشور متحده انگلستان نتوانستند این نسبت بفرامت توافق حاصل نمانند این مسئله حکومت دول متحده امریکارا از مجاهداتی که برای کمک بایران بعمل آورده بآذات باشد است .
در ممالک متحده امریکا و حتی در میان امریکائیها که در ایران و مردم ایران منتهای مهربدی و دوستی را دارند این فکر قوت دارد که تا زمانی که ایران نتواند از فروش نفت و محصولات نفتی و جوهری بدست آورد و با انصاف فراد داد مقول و عادلانه در باره غرامت باریک نظر بایران بقادریزادی فروخته شود هر که حکومت دول متحده بخواهد بیزان مدتی این طریقی اقتصادی بفرماند که کند در حق مؤذبان مالیاتی آمریکا شرط انصاف را رعایت نکرده است .
تاخیری که در عرض جواب پیش آمد بدان سبب بوده است که میخواستیم با مستر دالس و مستر هندرسن سفیر کبیر قمرقت مشورت داشته باشم و اکنون که بنوشتن این پاسخ میباردت میکنم محرک دستدار

دکتر محمد مصدق

از شاعر ملی ادیب برومند

انحراف از راه ملت

هر آنکه منحرف از شاهراه ملت گشت هزاره دست خداوند با جومات بود اجتماع بشرخود بخود مطرود رواست گسب فضایل زجرهای خدمت خلق ز طرح نقشه تزویر خلق را مغزب بدلان که خدمت اگر هست بهر منت و مزد بلبه وطن و فراق نواز باید ببرد ز شر کید و نفاق ، الحذر که شد منفور حکومتی که نه برفق میل مردم بود نجات ملی ما در حکومت ملی است بدولتی که ورا تکیه گاه ملت بود کسیکه بی هدف آمد بریش او خندند ز دولت سره ملت کسیکه عزت یافت مغفلان همه از صحت عدل دورند بدم منحرفان داده شد شمار از خلق منافقان همه هیچندو گفته هاشان بوج

کسیکه حامی خلق از ره عدالت گشت اگر ز خود نگذشتی براه خدمت ملک بنزد جامعه محفوظ ، حق خدمت است حجاب نامد و خائن بود بعهده خلق هماره اصل حیاتی است احترام حقوق هر آنکه جانب ملت فرو گذاشت بجهل وکیل ملت اگر جز برام ملت رفت نتاج نهضت ملی حکومت ملی است امیدوار بدینسان حکومتم که درو ز راه نهضت ما رو با انحراف آورد هسانکه عامل نهضت همی شد روی خویش رواج کار سند کرد ز ابلی پی بنداشت علو مرتبه چون یافت سقله برورش خرد باین نفاق که سرزد زجم منحرفان بیک تکدر خاطر که یافت در ره عشق جلال نهضت ما این که هر که ز وسر تافت بود بسنزل نکبت نزلت اجالتش بوضف نهضت ملی ذلک حق پرداز

ادب شهره بهر شهروهر ایات گشت

این احساسات نیز در ممالک متحده بیزان متعابیه وجود دارد که هرگاه بنا شود صرفا بر مبنای از دست رفتن دارایی مادی یعنی تأسیسات شرکی که ملی شده است مسئله پرداخت غرامت حل گردد این ترتیب راه ملی نخواهد بود که بتوان آنرا عادلانه خواند و توافق در باره چنین راه ملی ممکن است اعتبار متقابل اقتصادی دارند بضعف متقابل سازد .
بلاوه بسیاری از هبوطان دوستدار که از بریراننا مربوط باین اختلاف اسف بپوسته بدست آورده اند متعقدند که نظر با احساسات برهیجانی که هم در ایران و هم در کشور متحده انگلستان بر انگیزی شده است کوششهایی که بوسیله مذاکره مستقیم بمنظور تعیین مبلغ غرامت بعمل آید بیشتر ممکن است بجای ایجاد حسن تفاهم مایه افزایش اصطکک و اختلاف گردد عقیده آنها بپوسته چنین بوده است که عملی ترین و متصفانه ترین وسیله قطع و فصل مسئله غرامت آنست که این امریکه هیئت بین المللی بیطرفی ارجاع کرد و آن هیئت کلیه دعای طرفین را بر اساس مسأحت دعوی مورد مطالعه قرار دهد . کاملا توجه دارم باین که حکومت مالی باستانی خود خواهد داد که سیاست و روش خارجی و داخلی برای ایران و مردم ایران نافع ترین سیاستها است . با بیسان این مطالب سعی ننادم برای حکومت ایران مصلحت اندیشی کنم و بگویم چه چیز بیشتر بضع حکومت ایران است که بر این اوضاع و احوال چرا - حکومت دول متحده اکنون در مقام و موقعی نسبت که بتواند بیشتر از پیش به - نماید . در صورتیکه ایران مایل باشد - حکومت دول متحده امیدوار است کمکهای فنی و نظامی خود را براساس که نظیر کمکهای علمی گذشته باشد ادامه دهد . از گزنی که در نامه آنجناب نسبت باوضاع خطرناک کنونی ایران منمکس است استحضار یافته و صمیمانه امیدوارم با فرصت باقی و دربر نشسته است از طرف حکومت ایران اقداماتی در حدو قدرت خود برای جلوگیری از بدتر شدن وضع کنونی بعمل آید .
از آنجک تخفیف وزیر خواشتمند تجدید احترامات فائده دستدار را پذیرند

دوایت ۵ ایزنهاور